

م . اورنگ

ریشه نژاد آریا

واژه آریا و نژاد آریا را زیاد شنیده ایم و با آن خوب آشنا هستیم . درسنگ نبشته های هخامنشیان می بینیم که پادشاهان این دودمان خود را از نژاد آریا خوانده اند .

ما ایرانیان هم همیشه به این نام می بالیم و خود را از آن ریشه و سرچشمه میدانیم . اما با همه اینها چگونگی این نام یا این واژه و سرچشمه و ریشه آن برای بسیاری از پژوهندگان روشن نشده و می توان گفت درسرگردانی مانده اند .

زیرا برای بدست آوردن ریشه این واژه ایرانی ، به فرهنگ ایرانی نگاه نکرده اند و دنبال پندارهای برخی از نویسندگان کشورهای دیگر رفته اند .

پندار اینگونه نویسندگان که از زمانی نزدیک به صد سال پیش پیدا شده ، بر روی این زمینه است که گویا آریاها یعنی نیاکان ایرانیان کنونی ، در نزدیکی های هزار سال یا دوهزار سال پیش از مسیح ، از دامنه های رشته کوههای پامیر به سرزمین ایران سرازیر شده اند و بر مردمان آن زمان ایران چیره شده اند و آنان را از میان برده اند و یا از زادگاه خود بیرون کرده اند و یا اینکه در زیر فرمان خود در آورده هم رنگ خود ساخته اند .

این پندارها روی این زمینه است که در کوشهای اباختر (شمال) و اباختر خاوری ایران چیزهایی بدست آمده همانند چیزهایی است که در دامنه های رشته کوههای پامیر پیدا شده است و این همانند آنها می رساند که همان مردمان روی با ایران آورده اند و اینچنین چیزهایی ساخته اند .

این دسته از دانشمندان کشورهای دیگر ، روی این پندارها که پایه درستی

ندارد، چیزهایی گفته‌اند و نوشته‌اند و دنبال آنراها کرده‌اند. یعنی بافشاری از خود نشان نداده‌اند. اما پیروان آنها کاسه از آتش داغ‌تر شده، برای استوار نشان دادن این پندارها بافشاری میکنند و ایرانیان کنونی را فرزندان مهمانهای ناخوانده می‌پندارند که از جاهای دیگر به این سرزمین آمده باشند.

کوشهای انجام شده که پیشینه‌های آنها در موزه ایران باستان است، آشکارا نشان میدهد که نزدیک چهار هزار سال پیش از مسیح، کارخانه آهن‌گدازی یا مس‌گذاری در سرزمین استان کرمان بوده. نمایشگاه هنر هفت هزار ساله ایران در آمریکا، نشانه روشنی از پیشینه فرهنگ و هنر مردم این سرزمین است. اما جای افسوس است که برخی از پژوهندگان چنین وانمود می‌سازند ایرانیان پیشین فرهنگ و هنری نداشته‌اند و نژاد آریا در هزار سال یا دوهزار سال پیش از مسیح باین مرز و بوم آمده‌اند و فرهنگ و هنر پدید آورده‌اند.

براستی اینگونه گفته‌ها و نوشته‌ها گروه زیادی از پژوهندگان کشور ما را گمراه و سرگردان کرده و بر پایه پیشینه سرافرازی آمیز مردم میهن ما گزند رسانده است. زیرا این داستان بجز این است که گفته‌اند و نوشته‌اند و مایه گمراهی مردم شده‌اند.

یعنی نژاد آریا از هزاران سال پیش در همین سرزمین بوده‌اند و از جای دیگر نیامده‌اند. ایرانیان کنونی هم فرزندان همان آریائی‌ها میباشند که در این مرز و بوم بوده‌اند و فرهنگ درخشانی داشته‌اند. اما باید برای پی بردن به این رازها، از دیدگاه نوشته‌های باستانی خود ایران زمین نگاه کرد نه از دیدگاه پندارهای سست خاورشناسان کشورهای دیگر.

زیرا پیشینه‌های استوار دانشی خود این کشور، این رازها را بخوبی روشن می‌سازد و پژوهندگان را از سرگردانی‌رهائی میدهد و به راه راست راهنمون می‌کردد.

پیشینه‌های استوار دانشی که روشنگر این چیستان می‌باشد ، کتاب کهنسال آویستا است که بنیاد فرهنگ ایران را فراهم می‌آورد و بسیاری از رازهای دیرین را نمایان می‌سازد .

این کتاب کهنسال دین و دانشی ، نژاد آریا را همان مردم ایران میدانند و کیومرث را سردودمان آنان می‌خواند که در شاهنامه فردوسی توسی ، نخستین پادشاه از خاندان پیشدادیان است .

در (بند ۸۷) از فروردین یشت ، از کیومرث سخن میراند و روان بلند او را می‌ستاید و میگوید : (فره‌هر پاک کیومرث را می‌ستائیم . نخستین کسی که به فرمان و آموزش اهورامزدا گوش فراداد . او از خاندانهای سرزمینهای آریا و نژاد سر - زمینهای آریا پدید آمد .

از این گفته‌ها بخوبی برمی‌آید که کیومرث سردودمان نژاد آریا و کشورهای آریائی می‌باشد . افزون بر اینها که گفته شد ، کیومرث نخستین کسی است که به هستی آفریننده جهان بی‌برده و از آنجا فرمان و دستور میگرفته است .

اکنون میخواهیم بدانیم آریا چه معنی دارد و به چه مردمانی گفته میشود که سرچشمه‌اش از کیومرث آغاز میشود . خوشبختانه بند ۱۴۳ فروردین یشت ، این راز را هم روشن می‌سازد و می‌رساند که واژه آریا برای ایران و ایرانیان است . زیرا در آنجا نخست به زنان پاک و مردان پاک آریا درود می‌فرستد و در پشت سرش از زنان پاک و مردان پاک کشورهای سلم و تور یاد میکنند و به آنها نیز درود می‌فرستد . این گفته‌ها داستان سه بخش کردن شاه فریدون پیشدادی کشورهای خود را در میان سه پسرش ایرج و سلم و تور به یاد می‌آورد که ایران را به ایرج ، توران را به تور ، شام را به سلم واگذار کرد . همه آویستاشناسان هم در اینجا آریا را بمعنی ایران و ایرانیان آورده‌اند . در نوشته‌های هرودت هم می‌بینیم که در روزگاران گذشته ایرانیان را بنام

آریا میخوانده اند .

سخن کوتاه اینکه از این پیشینه‌های دانشی ایرانی ، آشکارا برمی آید که نژاد آریا از کیومرس شاه نخستین پادشاه ایران سرچشمه میگیرد و این واژه‌ها در باره مردم ایران به کار می‌رود . از سوی دیگر کیومرس در ایران بوده و از دامنه کوه‌های پامیر یا از جای دیگر نیامده که چنین پنداریم این نژاد را با خودش از جای دیگر آورده است .

این گفتار دامنه دراز دارد ولی هم اکنون بهمین اندازه که گفته شد بسنده است . اگر کسانی باشند که در برابر این پیشینه روشن و استوار باز هم به پندارهای سست بنیاد نویسنده‌گان کشورهای دیگر بچسبند و مردم ایران را بازمانده‌گان مردمانی بنام آریا بخوانند که بگمان آنان از جای دیگر باین سرزمین آمده‌اند ، بهترین است چگونه‌گی را از روی دست آویزهای دانشی بنویسند تا این گفتار دنباله پیدا کند و در داوری پژوهنده‌گان گذاشته شود .

زردشت بر آن است که اهورمزدا او را برای نجات و ارشاد بشریت مبعوث کرده و آخرین پیام او را برای آدمیان آورده است و آن در آخر زمان است و روزگار در عهد او پایان می‌رسد و ملکوت آسمانها نزدیک و قیامت قائم میشود . وی درسراسر (گاتها) نغمه امید مینوازد و آرزو میکند که بزودی شاهد انتهای دور زمان گردد . در آن روز است که اهورمزدا سراسر نیروی حق را بر علیه باطل بکار برده و کشمکش نهائی بین خیر و شر پایان خواهد رسید .
(تاریخ ادیان)